



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴

انارگل خوستی

تو گویی از خواب عمیقی بیدار شده باشی

هی میدان و طی میدان، خار مگیلان، سنگ ملامت می زد و می آمد، تنبان فیل در پای پشه تنگ آمد، کشمش پندید، پُله ترکید تا که وطنداری از خواب غفلت بیدار شد، و آن هم بالاخره در اثر تبصره یکی دو وطندار دیگر.

یقین نمی کنم که بیدار شده است یا در حالت خواب و بیداری هنوز هم دست و پا میزند، چه وطندارانی تلاش کرده اند تا مسئولین این یکی دو وبسایت را متوجه بسازند، اما گوش شنوا پیدا نشد و همه روزه مضامین خائنین ملی را که مطلقاً ضد منافع ملی کشور قلمک میزنند، نشر می کنند که نتنها خدمتی به وطن و آینده سازان آن سرزمین نمی کنند، بلکه خیانت بزرگی را با نشر مضامین تبلیغی آنها مرتکب می شوند.

در مورد مضامین نامفهوم هموطنی به نام آقای آصف فقیری، هر دو وبسایت بدون کوچکترین توجه به متن، مفهوم، املا و انشأ آن، مضامینش را نشر می کنند. این را می گویند رقابت منفی.

نشر مضامین آقای فقیری همچنان ادامه پیدا نمود، تا بالاخره هی میدان و طی میدان یکی دو نفر به خود اندک زحمتی قبولدار گردیده و خود را به خواندن یکی از مضامینش زحمت دادند و تبصره کوتاهی نوشتند و مسئول صاحب را از خواب غفلت بیدار کردند.

می گویند "ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه ست"، بدین معنی که جناب مدیر صاحب که کمر همت برای تنویر هموطنان بسته نموده اند و می خواهند قاموس نیز بسازند، چه بهتر که شروع کنند به پاک نمودن وبسایت شان از هجوم خائنین خلقی و پرچمی، در غیر آن هم نزد خدا و هم نزد ملت افغان ملامت و سر افکنده باقی خواهند ماند.

برای من بربادی وطنم و بی پناهی وطندارانم اهمیت به سزایی نظر به همه جیفه های دنیا دارد، فلذا جنابانیکه در ممالک مختله قرار دارند و ترس و بیمی متوجه شان نیست، نباید جنایات این

طبقه وطن فروش را از یاد می بردند. اگر کار دیگری از دست شان پوره نیست، حد اقل با این جنایتکاران سر دوستی نمی جنبانند.

چه شد غیرت افغانی شما، هر وقت می بینم که این خائنین افغانستان و ملت افغان، مضامینی می نویسند که نتنها از نشر مضامین شان جلوگیری نمی شود، بلکه از طرف کسانی که غیر حزبی بودند بدرقه نیز می شوند، با خود می گویم که این شعر "گر ندانی غیرت افغانیم، چو به میدان آمدی میدانیم" دروغ بود و دروغ است.

وای به حال وطن و وای به حال ملت.

نوشته های بی سر و پای یک کسی را بصورت متواتر با تمام اغلاط املائی، انشائی و گرامری و ادبی او و بدون کوچکترین معنی و مفهوم، بدون کوچکترین دقتی بر آنها، نشر میکنند و نام آنرا میگذارند آزادی بیان، پس مسؤلیت ما در قبال جوانان و آینده سازان وطن کجا شد؟

جالب این است که خود تذکر میدهم که سایت های دیگر از نشر نوشته های او نظر به دلالتی خودداری میکنند، اما مرغ ما یک لنگ دارد و ما از همه متفاوت هستیم و تعداد نویسندگان برای ما مهم است نه اینکه چه مینویسند و چه اهدافی را دنبال میکنند.

اگر آن وطندار مضامین را از جا های مختلف و زبانهای متفاوت کاپی کرده و توسط ترجمه گوگل، ترجمه کرده و به نام خود نشر میکند، پس وظیفه ما در مورد چه است و مسؤلیت ما کدام؟

اگر آن وطندار به زعم مدیر مسؤل غیر مسؤل، به اختلال حواس و یا کدام مشکل دیگر روانی گرفتار است، پس چه لازم که آن مهملات او بدون کوچکترین اصلاح و کمترین درنگ، پیوسته به نشر میرسد. اگر اندکی مسؤلیت پذیر باشیم، نه تنها مفاد آن به خودما، بلکه به دیگران و بخصوص به جوانان ما و آینده سازان ما خواهد رسید.

اگر مفادی به کسی رسانده نمی توانیم، حداقل ضرر هم نرسانیم. اگر خدمتی به وطن و وطندار از ما پوره نیست، حداقل مرتکب خیانت نشویم.